



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۸ بهمن ۱۳۹۱
مصادف با: ۱۵ ربیع الاول ۱۴۳۴
جلسه: ۱۹

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه
موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام - مشایخ ثقات
سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم آنچه که مرحوم شیخ طوسی به عنوان مشایخ الثقات ادعا کرده که گروهی «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة»، مورد اشکال بعضی از بزرگان واقع شده است، مرحوم آقای خوبی چهار اشکال به این مطلب داشتند که ما این اشکالات را نقل و مورد مناقشه قرار دادیم، عمده مطلبی که باقی مانده در مورد ضعف بعضی از افرادی است که این گروه از آنها روایت نقل کرده‌اند یعنی در مورد بعضی از افراد ادعا شده که این سه نفر از آنها روایت نقل کرده‌اند در حالی که ضعیف هستند. اگر «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» صحیح باشد نباید هیچ یک از مشایخ این گروه مبتلا به ضعف و طعن و قدح باشند در حالی که بعضی از مشایخ این گروه ضعیف هستند؛ مثلاً مرحوم آقای خوبی بعضی افراد را از جمله علی بن ابی حمزه بطائنی، یونس بن ظبیان، ابی جمیله و غیره ذکر کرده و این قاعده را به این افراد نقض کرده است امام (ره) هم در مورد بعضی از مشایخ ثقات این قاعده را نقض کرده است، ایشان پنج نفر را نام می‌برد که عبارتند از: یونس بن ظبیان، ابی جمیله، علی بن حدید، عبدالله بن قاسم و علی بن ابی حمزه بطائنی.^۱ شهید صدر هم این قاعده را به پنج نفر نقض کرده که بعضی از آنها با آنچه امام (ره) ذکر کرده مشترکند که آن پنج نفر عبارتند از: علی بن حدید، یونس بن ظبیان، وهب بن وهب ابوالبختری، عمرو بن جمیع و حسین بن احمد منقری. حال سؤال این است که این نقض‌ها را چگونه باید حل کنیم؛ مثلاً فرض کنید ابن ابی عمیر از علی بن حدید یا از حسین بن احمد منقری روایت نقل کرده در حالی که این اشخاص تضعیف شده‌اند، ابتدائاً باید این نقض را تبیین کنیم و سپس در صدد برطرف کردن آن برآییم.

قبلاً گفتیم که ابن ابی عمیر از ۱۳ نفر روایت نقل کرده که در مورد شش نفر از آنها ادعای اتفاق بر ضعف آنها شده است که باید بررسی کنیم ببینیم آیا اتفاق بر ضعف آنها وجود دارد یا نه؟ و در مورد بقیه هم اختلاف است. بعد از رد اتفاق بر ضعف آنها باید بررسی کنیم ببینیم آیا وثاقت آنها ثابت است یا خیر؟ پس در دو مرحله نسبت به موارد نقض از مشایخ ابن ابی عمیر مطلب را پی‌گیری کنیم.

بررسی ضعف مشایخ ابن ابی عمیر:

۱- حسین بن احمد منقری

۱. کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۱۹۱.

نجاشی او را تضعیف کرده است.^۱

شیخ طوسی نام او را در زمره اصحاب امام باقر (ع) نقل کرده ولی در مورد او چیزی نفرموده اما هنگامی که او را در عداد اصحاب امام کاظم (ع) برمی‌شمارد او را تضعیف می‌کند.^۲

البته این مطلب قابل جمع است یعنی ممکن است این شخص در زمان امام باقر (ع) مورد طعن قرار نگرفته ولی بعداً تبدل حال پیدا کرده باشد کما اینکه در بین روایات کسانی بوده‌اند که در حال وثاقت یا در حال ضعف، روایت نقل کرده‌اند یا مثلاً مذهب امامی داشته و سپس تبدل رأی پیدا کرده و مذهبش تغییر کرده و بعضی روایات را در زمانی که مذهب جدید داشته نقل کرده و این امری طبیعی است که حالات روایات تغییر کند. به هر حال چنین اختلافی در بیان خود شیخ هم وجود دارد. برقی هم در مورد حسین بن احمد منقری چیزی نگفته است^۳ - منظور از اینکه چیزی درباره او نگفته این نیست که اصلاً نام او را ذکر نکرده بلکه منظور این است که او را تضعیف نکرده است - مرحوم آقای خویی هم این شخص را مجهول دانسته است.^۴

پس اینکه ادعا می‌شود در مورد بعضی از مشایخ ابن ابی عمیر، مثل حسین بن احمد منقری بر ضعف او اتفاق شده، این چنین نیست، چون بعضی این شخص را تضعیف کرده ولی بعضی دیگر در مورد او چیزی نگفته‌اند هرچند ممکن است گفته شود جمع این مطالب به نوعی در مقام تضعیف این شخص است ولی حداقل این است که اتفاقی بر ضعف او نیست.

۲- علی بن حدید

این شخص هم از مشایخ ابن ابی عمیر است و ادعا شده ضعف او مورد اتفاق است، با مراجعه به کتب رجالی متقدمین ملاحظه می‌شود تا حدودی محل اختلاف است و حداقل اتفاقی بر ضعف او مشاهده نمی‌شود.

نجاشی در مورد علی بن حدید چیزی نگفته است، شیخ در فهرست در مورد او می‌گوید: «ان له کتاباً» و در رجال^۵ فقط گفته: او از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) است و در تهذیب او را در یک روایت تضعیف کرده است، البته اینکه گفته‌اند شیخ در تهذیب این شخص را تضعیف کرده مطلبی است که علامه حلی در خلاصه الاقوال به شیخ طوسی نسبت داده است و گفته شیخ در استبصار و تهذیب علی بن حدید را در یک روایت تضعیف کرده است. عبارت شیخ این است «ضعیفٌ جداً لایعول علی ما ینفرد بنقله» اما وقتی به کتاب تهذیب و استبصار مراجعه می‌شود معلوم می‌شود که در تهذیب

۱. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲. رجال شیخ، ص ۱۱۵.

۳. رجال برقی، ص ۵۰.

۴. معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۲۱۳.

۵. رجال شیخ، ص ۲۸۲.

در این رابطه چیزی نیامده، بلکه دو روایت در استبصار ذکر شده؛ یکی در باب البئر تقع فيه الفأرة^۱ و دیگری هم در باب النهی عن بیع الذهب بالفیضة نسیئة^۲.

تعبیر «ضعیفٌ جداً لا یعول علی ما ینفرد بنقله» که از شیخ طوسی نقل شده دلیل بر عدم وثاقت نیست، چون این تعبیر که می‌گوید: در مواردی که او به تنهایی روایتی را نقل می‌کند نمی‌توان به آن اعتماد کرد؛ معنایش این است که اگر دیگران روایتی را با این مضمون داشته باشند اخذ به روایت او اشکالی ندارد و این تعبیر در مورد علی بن حدید به خاطر مذهبش بوده و مشعر به عدم وثاقت او نیست و شاهد این مطلب هم این است که کسی در مورد او گفته: «انه فتحی من اهل الکوفة کان ادرك الرضا (ع)»^۳، کلام کشی شاهد بر این است که مشکل علی بن حدید به خاطر مذهب اوست اما دال بر عدم وثاقت او نیست. البته کشی روایاتی را هم نقل کرده که به نوعی ممکن است وثاقت این شخص قابل استفاده باشد اما مشکل این است که این روایات از حیث سند مشکل دارد مثلاً کشی در روایت نقل می‌کند که روای به امام (ع) عرض می‌کند «جعلت فداک قد اختلف اصحابنا فأصلی خلف اصحاب هشام بن حکم؟ قال: علیک بعلی بن حدید، قلت: فأخذ بقوله؟ قال: نعم»^۴؛ روای می‌گوید: اصحاب در مورد اینکه چه کسی امام جماعت شود اختلاف کرده‌اند، آیا من می‌توانم در نماز به اصحاب هشام بن حکم اقتداء کنم؟ امام (ع) فرمودند: به علی بن حدید اقتداء کن، روای سؤال می‌کند: آیا می‌توانم به قول او اخذ کنم؟ امام (ع) فرمودند: بلکه حال اینکه این روایت در چه فضایی صادر شده و سؤال کننده چه کسی بوده و امام (ع) در چه مقامی این کلام را فرموده‌اند خیلی مهم است مخصوصاً وقتی در مورد اشخاص از امام (ع) سؤال می‌شده بعلاوه اینکه این روایت از حیث سند هم مشکل دارد اما به هر حال کشی این روایت را نقل کرده و در این روایت علی بن حدید تأیید شده است. مرحوم آقای خویی هم در مورد این شخص به وثاقت یا عدم وثاقت او اشاره نکرده است. به هر حال مجموعه مطالبی که در مورد علی بن حدید گفته شد نشان دهنده این است که حداقل، ضعف این شخص مورد اتفاق نیست.

۳- یونس بن ظبیان

نجاشی در مورد او می‌گوید: «ضعیفٌ جداً لا ینتفت الی ما رواه، کل کتبه تخلیط»^۵؛ یونس بن ظبیان ضعیف است و به آنچه روایت کند توجه نمی‌شود و تمام کتب او هم مخلوط از صحیح و غیر صحیح است.

۱. استبصار، ج ۱، ص ۴۰، ح ۷۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۹۵.

۳. رجال کشی، ص ۱۱۵.

۴. همان، ص ۲۷۹.

۵. همان، ص ۴۴۸.

شیخ در فهرست درباره او چیزی نگفته اما در رجال به مذهب او اشاره‌ای کرده که دال بر عدم وثاقت نیست. در رجال وقتی او را در زمره اصحاب امام صادق (ع) نقل می‌کنند می‌گویند: «و هو ضعیف»^۱، مرحوم آقای خویی هم این شخص را مجهول دانسته است^۲.

در مورد یونس بن ظبیان هم اتفاقی نسبت به ضعف او وجود ندارد اما بر فرض هم این شخص ضعیف باشد، ابن ابی عمیر فقط یک روایت را به تنهایی از او نقل کرده و در بعضی موارد هم روایت او را به عنوان تأیید نسبت به اخباری که ثقات نقل کرده‌اند، آورده است پس نمی‌توان گفت نقل از غیر ثقه در جایی که هم از ثقه و هم از غیر ثقه نقل کرده، قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» را نقض می‌کند چون آنچه از غیر ثقات نقل شده فقط مؤید روایات ثقات است. پس ابن ابی عمیر فقط یک روایت را به تنهایی از یونس بن ظبیان نقل کرده است که حال باید ببینیم آیا نقل یک روایت از شخص ضعیف هم به قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» لطمه وارد می‌کند یا خیر؟ خلاصه مطلب این شد که ضعف این سه نفر (حسین بن احمد منقری، علی بن حدید و یونس بن ظبیان) مورد اتفاق نیست.

بحث جلسه آینده: چند نفر دیگر از مشایخ ابن ابی عمیر باقی مانده که بعضی آنها را تضعیف کرده‌اند و بر این ضعف هم ادعای اتفاق کرده‌اند که انشاء الله در جلسه آینده به ذکر و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. رجال شیخ، ص ۲۴۹.

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۹۱.